

وزیر خارجهٔ ترکیه تحلیلی متناقض و مملو از اشتباه‌های تاریخی از نقش ایران در منطقه ارائه کرده است

هاکان فراموش‌کار!

وزیر خارجه ترکیه در مصاحبه‌ای با شبکه الجزیره که روز گذشته بازنتاب پیدا کرد، سیاست‌های منطقه‌ای ایران را مورد انتقاد قرار داد و مدعی شد که حمایت ایران از گروه‌های مقاومت در منطقه، سیاستی پرهزینه و پریسک است. وی تأکید کرد که تهران باید رویکرد خود را تغییر دهد؛ چراکه ادامه این سیاست در بلندمدت نه‌تنها بر ساختار داخلی ایران بلکه بر منطقه نیز فشار وارد خواهد کرد. در این میان، او تلویحاً زبان به تهدید ایران نیز باز کرد و گفت: «اگر شما با حمایت از یک گروه در کشوری به دنبال ایجاد ناراحتی در آن کشور باشید، کشور دیگری نیز با حمایت از گروه‌های داخل کشورتان شما را ناراحت می‌کند. یعنی در دنیا دیگر هیچ چیزی پنهان نیست. قابلیت‌هایی که شما دارید دیگران هم دارند. بر همین اساس اگر می‌خواهید که به شیشه شما سنگ نزنند، به شیشه دیگران سنگ نزنید.» این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که نگاهی دقیق‌تر به سیاست‌های منطقه‌ای ترکیه نشان می‌دهد خود آنکارا نیز در طول سال‌های اخیر به‌طور گسترده درگیر حمایت از گروه‌های مختلف در مناطق مختلفی چون سوریه، آذربایجان و لیبی بوده است. ازاین‌رو، این پرسش مطرح می‌شود که اگر ترکیه این شیوه را شکست خورده می‌داند، چرا همچنان آن را دنبال می‌کند؟ و اگر این سیاست موفقیت‌آمیز است، چرا ایران را بابت آن سرزنش می‌کند؟ ضمن آنکه ایده انقلاب اسلامی ایران مبتنی بر نفی سلطه شرق و غرب و ترویج یک گفتمان مستقل بوده است که بدون هیچ‌گونه ابزار نظامی تأثیر آن در بعد نرم‌افزاری فراتر از منطقه، دیده می‌شود و الهام‌بخش جوامع مختلف شده است. همچنین، مقامات ایرانی همواره تأکید کرده‌اند که ایران نیروی نیابتی ندارد، موضعی که محمد جواد ظریف نیز در مجمع جهانی اقتصاد بر آن صحه گذاشت.

زبان نرم ایران بین‌المللی شد

انقلاب اسلامی ایران از همان ابتدا با یک ایده نرم‌افزاری و گفتمان فکری خاص شکل گرفت؛ ایده‌ای که نه‌تنها یک تحول سیاسی بلکه یک دگرگونی فکری و فرهنگی را نیز به همراه داشت. این انقلاب با نفی سلطه‌گری شرق و غرب، گفتمان مستقلی را ارائه کرد که با تأکید بر عدالت، استقلال و مقاومت در برابر سلطه‌گران جهانی، توانست در کشورهای مختلف تأثیرگذار باشد. این تأثیر تنها محدود به منطقه خاورمیانه نبوده، بلکه در قاره‌های دیگر نیز بازنتاب داشته است. یکی از نمونه‌های بارز این تأثیر، گسترش تفکر مقاومت و استقلال‌طلبی در کشورهای مختلف، از جمله آفریقاست. تا حدی که یک خانواده کنیایی نام شخصیت‌های انقلاب اسلامی را روی فرزندانش می‌گذارد. این اتفاق در حالی رخ داده است که جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گونه برنامه‌ریزی مستقیم برای چنین نفوذی نداشته است. این موضوع نشان می‌دهد ایده انقلاب اسلامی، فراتر از مرزهای جغرافیایی و بدون استفاده از ابزارهای متعارف تبلیغاتی، در میان جوامع مختلف نفوذ کرده است. از سوی دیگر، انقلاب اسلامی از همان ابتدا در برابر نظام‌های مبتنی بر ماتریالیسم، چه در بلوک شرق و چه در بلوک غرب، موضع‌گیری کرد. این موضع نه‌تنها بر سیاست داخلی ایران بلکه بر روابط بین‌المللی آن نیز تأثیر گذاشت. ایران در چهار دهه گذشته، همواره تلاش کرده است با گسترش گفتمان استقلال‌طلبی، بر معادلات منطقه‌ای تأثیر بگذارد. در این مسیر، الگوی ارائه‌شده توسط انقلاب اسلامی الهام‌بخش بسیاری از جنبش‌های آزادی‌بخش بوده و حتی امروزه نیز این گفتمان در تحولات جهانی نقش دارد. ایده انقلاب اسلامی همواره با چالش‌هایی روبه‌رو



بوده است. قدرت‌های جهانی و برخی دولت‌های منطقه‌ای که خود را در برابر این گفتمان می‌بینند، تلاش کرده‌اند تا آن را محدود کرده یا در برابر آن جبهه بگیرند. رسانه‌های بین‌المللی و برخی سیاست‌گذاران غربی، همواره تلاش کرده‌اند که این ایده را به‌گونه‌ای دیگر جلوه دهند و مانع از گسترش آن شوند. با این حال، این تلاش‌ها نتوانسته‌اند از گسترش فکری این ایده جلوگیری کنند. مسئله مهم در این میان، تأثیرگذاری نرم‌افزاری انقلاب اسلامی است. برخلاف برخی کشورها که سعی دارند با ابزارهای نظامی و اقتصادی نفوذ خود را گسترش دهند، انقلاب اسلامی بیشتر بر پایه یک ایده و گفتمان ضد استکباری پیش رفته است. این روش، که مبتنی بر الهام‌بخشی و الگوسازی است، می‌تواند در بلندمدت تأثیرات ماندگارتری داشته باشد. آنچه انقلاب اسلامی ایران را متمایز می‌کند، گسترش یک ایده و تفکر است که بدون اجبار و برنامه‌ریزی‌های تبلیغاتی رسمی، توانسته در بسیاری از نقاط جهان الهام‌بخش باشد. این نشان‌دهنده قدرت نرم انقلاب اسلامی است که حتی در دوره‌های مختلف تاریخی، با وجود چالش‌ها و فشارهای خارجی، همچنان مسیر خود را ادامه داده و تأثیرگذار باقی مانده است.

ایران به جبهه مقاومت کمک می‌کند نه تحکم

یکی از مهم‌ترین مباحثی که همواره در سیاست خارجی ایران مورد بحث قرار گرفته، موضوع ارتباط ایران با گروه‌های مختلف منطقه‌ای است. کشورهای غربی، به‌ویژه ایالات متحده، بارها ایران را متهم و ادعا کرده‌اند که از نیروهای نیابتی در منطقه حمایت می‌کند. در مقابل، مقامات ایرانی این ادعا را رد کرده و بر روابط مبتنی بر همکاری و حمایت از جنبش‌های مردمی و دولت‌های قانونی تأکید داشته‌اند. محمدجواد ظریف، معاون راهبردی رئیس‌جمهور ایران و وزیر امور خارجه پیشین، در نشست اخیر مجمع جهانی اقتصاد در داووس، به این موضوع پرداخته و تأکید کرده که ایران هرگز نیروی نیابتی در منطقه نداشته است. این موضع از سوی ایران سال‌هاست که مطرح می‌شود و مبتنی بر یک استدلال منطقی است: «حمایت ایران از گروه‌های مختلف منطقه‌ای، برخلاف ادعای کشورهای غربی، نه بر مبنای نیابتی‌گری بلکه بر اساس منافع مشترک و همکاری‌های استراتژیک شکل گرفته است.» از دیدگاه ایران، همکاری با گروه‌هایی مانند حزب‌الله لبنان، حشدالشعبی در عراق و انصارالله یمن نه به‌عنوان ابزارهای نیابتی، بلکه به‌عنوان بخشی از

اعتماد به نفس کاذب ترکیه را به تکرار اشتباه وا داشته است

در ادامه، وی به بررسی تحولات اخیر در سوریه و تأثیر آن بر سیاست‌های ترکیه و ایران پرداخت. حیدری در این باره گفت: «تصور می‌کنم اظهاراتی که مطرح می‌شود، بیشتر ناشی از نوعی حسادت به سیاست منطقه‌ای ایران است تا اینکه مبتنی بر یک نگاه منطقی و سیاسی باشد. ترکیه‌ها با توجه به تحولاتی که طی دو تا سه ماه گذشته در سوریه رخ داده، دچار نوعی سرخوشی افراطی شده‌اند. آن‌ها تصور می‌کنند که پیروزی در سوریه می‌تواند به کل منطقه تسری پیدا کرده و از آن بهره‌برداری کنند. این همان اتفاقی است که یک دهه پیش، در زمان بیداری اسلامی یا بهسار عربی، در منطقه رخ داد. در آن زمان آقای اردوغان تصور می‌کرد که جریان اخوان‌المسلمین در منطقه به قدرت خواهد رسید. اکنون نیز همان تصور برای آن‌ها شکل گرفته و به نوعی به اعتماد به نفس کاذب دچار شده‌اند.» حیدری در این باره تشریح می‌کند که «سیاست منطقه‌ای ایران در اصل به‌عنوان یک سیاست دفاعی در برابر تهدیدات

وزیر خارجهٔ ترکیه تحلیلی متناقض و مملو از اشتباه‌های تاریخی از نقش ایران در منطقه ارائه کرده است



سیاست حمایت از جنبش‌های مردمی و مقاومت در برابر سلطه خارجی است. این گروه‌ها برخاسته از جوامع خود هستند و مشروعیت داخلی دارند. به همین دلیل، ایران استدلال می‌کند که روابطش با این گروه‌ها متفاوت از مدل‌های نیابتی‌گری است که برخی کشورهای دیگر دنبال می‌کنند. یکی از نکات کلیدی در این بحث، تفاوت رویکرد ایران با سایر کشورها در منطقه است. برای مثال، کشورهای غربی و برخی دولت‌های منطقه‌ای در سال‌های گذشته، به‌ویژه در سوریه، از گروه‌های مسلحی حمایت کرده‌اند که مستقیماً با دولت‌های قانونی درگیر بوده‌اند. اما ایران همواره تأکید داشته که حمایت‌هایش در چهارچوب دفاع از دولت‌های قانونی و در برابر مداخلات خارجی بوده است. ادعای برخی کشورهای منطقه و کشورهای غربی درباره نیابتی‌گری ایران، بیشتر در چهارچوب یک روایت سیاسی برای تحت فشار قرار دادن تهران مطرح می‌شود. در حالی که ایران بارها تأکید کرده روابطش با متحدان منطقه‌ای، در چهارچوب همکاری‌های استراتژیک و دفاع از منافع مشترک تعریف شده است، نه به‌عنوان ابزاری برای کنترل منطقه. چنین رویکردی باعث شد حماس در جریان عملیات ۷ اکتبر حتی بدون اینکه نیاز ببیند ایران را مطلع کند، دست به اقدام بزند.

آقای فیدان با آینه صحبت کنبد

تادچار تناقض نشودید

یکی از انتقادهایی که هاکان فیدان، وزیر خارجه ترکیه علیه ایران مطرح می‌کند، ادعای حمایت ایران از گروه‌های منطقه‌ای و سیاست‌های ادعایی موسوم به «نیابتی‌گری» است. اما نکته قابل تأمل این است که ترکیه خود دقیقاً همین سیاست را دنبال کرده و همچنان به آن ادامه می‌دهد. در طول سال‌های اخیر، ترکیه به‌طور گسترده درگیر مسائل منطقه‌ای بوده و از گروه‌های مختلف در مناطق حساس مانند سوریه، لیبی و آذربایجان حمایت کرده است. برای مثال، در جریان جنگ سوریه، ترکیه به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از گروه‌های مسلح مخالف دولت بشار اسد حمایت کرده و حتی نیروهای نظامی خود را در بخش‌هایی از شمال سوریه مستقر کرد. این در حالی است که آنکارا همواره ایران را به دخالت در سوریه متهم می‌کند، درحالی‌که خود یکی از بازیگران اصلی این بحران بوده است. یکی دیگر از موارد قابل توجه، نقش ترکیه در جنگ قرقم باغ آذربایجان و ارمنستان است. در این جنگ، ترکیه از نیروهای نظامی آذربایجان حمایت کرد و حتی گزارش‌هایی منتشر شد

خارجی و به‌ویژه سیاست‌های تهاجمی برخی کشورهای عربی و غربی شکل گرفته و در این راستا موفق عمل کرده است. « حیدری تأکید کرد

که این سیاست توانسته از ایران و کشورهای محور مقاومت در برابر فشارهای خارجی محافظت کند. او در ادامه افزود: «ترکیه نیز دقیقاً همان سیاست ایران را البته به‌منظور توسعه‌طلبی در کشورهای مختلف پیاده کرده است»، اما در این مسیر با شکست مواجه شده و نتوانسته به اهداف خود دست یابد.» حیدری معتقد است که اظهارات اخیر ترکیه در این زمینه بیشتر ناشی از حسادت سیاسی به موفقیت‌های ایران در عرصه منطقه‌ای است. همچنین او به این نکته اشاره کرد که ترکیه در پی تحولات اخیر در سوریه به نوعی دچار اعتماد به نفس کاذب شده است که به‌دنبال مدیریت آمریکا و اسرائیل و به‌ویژه از طریق کارگزاری ترکیه شکل گرفته است. وی افزود که این دیدگاه ترکیه در قبال تحولات سوریه، مشابه همان اشتباه‌های گذشته است که در نهایت به نتایج منفی برای آنکارا منجر خواهد شد: «آن‌ها به اشتباه فکر می‌کنند که وضعیت سوریه همان‌طور که به نفع ترکیه در حال پیشرفت است، در آینده نیز همین‌طور ادامه خواهد یافت. اما تصور نمی‌کنم که این روند به همین شکل ادامه یابد. آقای فیدان، وزیر خارجه ترکیه، در انتهای صحبت‌های خود به یک نکته مهم اعتراف کردند؛ اینکه وضعیت سوریه اصلاً خوب نیست و چالش‌ها و تنش‌ها در این کشور تازه آغاز شده است. این نشان می‌دهد که شرایط به‌طور فزاینده‌ای پیچیده‌تر خواهد شد.»

اتهام‌زنی‌های فیدان ناشی از ترس است

حیدری همچنین به تهدیدهای اخیر ترکیه در خصوص شمال سوریه و روابط این کشور با گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد و گفت: «ترکیه به ایران هشدار داده که اگر ایران در شمال سوریه با حمایت از کرده‌های ضد اقاماتی انجام‌دهد، آن‌ها نیز به‌طور غیر مستقیم از گروه‌های ضد جمهوری اسلامی در مرزهای ایران حمایت خواهند کرد. حال آنکه این گروه‌های کردی عمدتاً با آمریکا و کشورهای غربی در ارتباط هستند و حمایت‌هایی علنی از آن‌ها می‌شود. این تهدیدها در واقع بیشتر ناشی از ترس ترکیه است تا یک سیاست مؤثر. ترکیه می‌داند که ایران در قبال تحولات سوریه ساکت نخواهد نشست و با استفاده از ابزارها و کارت‌هایی که در اختیار دارد، می‌تواند دمشق و ترکیه را تحت فشار قرار دهد.» وی در ادامه افزود: «این تهدیدات ترکیه اساساً بی‌پایه‌اند، زیرا گروه‌های کردی بیشتر تحت حمایت آمریکا

و کشورهای غربی قرار دارند. ایران در گذشته برای مبارزه با تروریسم داعش با این گروه‌ها ارتباط داشت، اما اکنون هیچ‌گونه ارتباطی با آن‌ها ندارد. بنابراین، این تهدیدهای ترکیه در نهایت به چیزی جز نمایش ترس و اضطراب تبدیل نخواهد شد.» حیدری همچنین تصریح کرد که ترکیه باید واقع‌بینانه‌تر به تحولات منطقه نگاه کند و از تکرار اشتباه‌های گذشته خود بپرهیزد: «با توجه به تجربه‌های گذشته و پیچیدگی‌های موجود در سوریه، به نظر می‌رسد که ماه عسل ترکیه در این کشور چندان دوام نخواهد داشت و چالش‌های جدیدی برای آنکارا پیش خواهد آمد. در این شرایط، ایران همچنان به‌عنوان یک بازیگر تأثیرگذار در سوریه و منطقه باقی خواهد ماند و به‌طور موقت درگیر پیروزی‌هایی شده تهدیدات و سیاست‌های ترکیه بود.»

وضعیت فعلی سوریه نمایانگر تنش در آینده است

حیدری همچنین در مورد بروز تنش‌های جدید در سوریه نیز تصریح کرد: «این وضعیت دوام نخواهد داشت.» او در توضیح این موضوع به مشکلات موجود در سوریه اشاره کرد و توضیح داد که کشورهای حاضر در سوریه هر چند ممکن است به‌طور موقت درگیر پیروزی‌هایی شده باشند، اما چالش‌های موجود در این کشور باعث خواهد شد که وضعیت تغییر کند. از جمله این چالش‌ها، پیشروی اسرائیل در مناطق جولان و دیگر مناطق سوریه است که وضعیت تمامیت ارضی این کشور را با اختلال مواجه کرده است. علاوه بر این، ترکیه نیز بخش‌هایی از خاک سوریه را اشغال کرده و در آنجا در حال ساخت پایگاه‌های نظامی است که احتمالاً ادامه خواهد داشت. حیدری همچنین به حضور آمریکا و قدرت‌های مختلف در شمال شرق سوریه اشاره کرد و هشدار داد که این تحولات باعث خواهد شد که حاکمیت قانونی سوریه و تمامیت ارضی آن با مشکلات جدی مواجه شود. در همین راستا، او به عدم تحقق تشکیل دولتی فراگیر در سوریه اشاره کرد و گفت که با توجه به عدم حضور اقلیت‌های قومی و مذهبی مانند علوی‌ها و کردها در دولت جدید دمشق، این موضوع به چالش کشیده شده است. در پایان، حیدری با اشاره به مشکلات اقتصادی سوریه که به تدریج نمایان شده‌اند، مانند ناتوانی دولت موقت سوریه در پرداخت حقوق کارمندان، پیش‌بینی کرد که وضعیت فعلی چشم‌انداز روشنی نداشته باشد. به گفته او، دگریری‌ها در سوریه به تدریج شکل خواهد گرفت و احتمالاً شعله‌ور تر خواهد شد.